



نقش خانواده و مدرسه در تربیت دانش آموزان

خانم الهام ناصرین

کارشناسی ارشد زبان و ادبیات عرب

Enaserin@yahoo.com

چکیده

خانواده، نخستین نهاد اجتماعی است که فرد در آن پا به عرصه زندگی می‌گذارد و اولین پایه‌های تربیت و تعلیم در آن گذارده می‌شود. وجود محبت و عاطفه در خانواده رمز سعادت و خوشبختی انسان است و کلید بسیاری از مشکلات و راه جلب احترام و رعایت حقوق دیگران است. عاطفه، عشق و محبت به فرزندان، می‌تواند اراده متزلزل و روح آشفته آنان را درمان کند و آنان را به زندگی سعادت‌مند و موفق امیدوار سازد. لذا برای تربیت و پرورش درست فرزندان، باید محیطی ایجاد کرد که در آن درگیری و اختلافی نباشد. محبت و صداقت، ایمان و عشق به خوبی‌ها، صمیمیت، وحدت و اتحاد می‌تواند راهگشای بسیاری از مشکلات باشد.

کلید واژه‌ها

تربیت، افت تحصیلی، تعلیم، انگیزه، موفقیت تحصیلی، هنجار و ناهنجاری

مقدمه

نقش خانواده در تربیت دانش آموزان

موفقیت تحصیلی در گرو علل و عوامل متعددی است که نبود و یا نقصان هرکدام از این عوامل موجبات افت تحصیلی را فراهم می‌سازد. هوش و استعداد تحصیلی یادگیرنده، عوامل محیطی (نظیر دیدگاه‌های حاکم بر جامعه در خصوص تحصیل، امکانات، وضعیت اقتصادی و حتی وضعیت فرهنگی محیط اجتماعی و...) و عوامل خانوادگی از مهمترین عوامل تاثیرگذار بر روند پیشرفت تحصیلی دانش آموزان بر شمرده می‌شوند. هرچند نمی‌توان از نقش تاثیرگذار هوش و استعداد تحصیلی و عوامل محیط اجتماعی غافل شد اما در این مقاله به بررسی نقش خانواده در تحصیل فرزندان پرداخته ایم. تعلیم و تربیت و مسائل مربوط به آموزش و



پرورش فرزندان از اولویت‌ها و دل‌مشغولی‌های خانواده‌هایی است که فرزندان در سنین مدرسه و حتی دانشگاه دارند. بی‌شک نقش خانواده در موفقیت تحصیلی فرزندان آن چنان حائز اهمیت است که به هیچ بهانه قابل کتمان نیست.

اول اینکه نهاد خانواده در مقام اولین جایگاه تعلیم و تربیت، شکل‌دهنده بسیاری از نگرش‌ها و دیدگاه‌های فرزندان خواهد بود. برخی از این دیدگاه‌ها و نگرش‌ها در حوزه تحصیل نیز خواهد بود که با توجه به نوع نگرش (مثبت یا منفی بودن) می‌تواند تأثیری بازدارنده یا ارتقاءدهنده در پیشرفت تحصیلی فرزندان داشته باشد. به تعبیر دیگر منشاء بروز پدیده افت تحصیلی دانش‌آموزان می‌تواند باورهای ذهنی باشد که در محیط خانواده شکل گرفته است. نوع نگاه و نحوه برخورد خانواده‌ها با امر تحصیل و یا حتی ارزش بودن و یا نبودن تحصیل در خانواده‌ای می‌تواند باورهای سازنده و یا مخربی را در ذهن فرزندان شکل دهد. متأسفانه در بیشتر موارد در خانواده‌هایی افت تحصیلی مشاهده می‌گردد که تحصیل علم نزد والدین و افراد خانواده ارزش چندانی ندارد و حتی در برخی موارد نکوهش نیز می‌شود.

دومین نکته‌ای که باید به آن اشاره نمود نقش حمایتی خانواده است. خانواده به عنوان اولین حامی فرزندان را از بدو تولد تا سال‌های پایانی عمر به شکل‌های متفاوتی زیر چتر حمایت خود می‌گیرد. حمایت‌های منطقی و اصولی و سازنده خانواده از فرزندان جدای از ایجاد جو عاطفی و محبت در محیط خانواده، سبب‌ساز تقویت اعتماد به نفس در وجود فرزندان می‌شود و آنان را به مرزهای خود باوری و خوداتکائی رهنمون می‌سازد. فضاهای گرم و صمیمی در محیط‌های عاطفی خانواده که معمولاً با ابراز محبت‌های منطقی نیز همراه است موجبات افزایش شوق و ذوق فرزندان نسبت به تحصیل، کاهش اضطراب و افزایش روحیه را فراهم می‌سازد.

دلیل سومی که از اهمیت بسیاری نیز برخوردار است، نقش نظارتی خانواده بر فرزندان است. در میان نقش‌هایی که والدین بر عهده دارند، نقش نظارتی آنها در کنترل و نظارت بر روند فعالیت‌های آموزشی فرزندان در تمامی مقاطع تحصیلی جایگاه ویژه‌ای دارد. بدیهی است که این نظارت و کنترل در سنین دبستان از اهمیت فوق‌العاده بیشتری برخوردار است. هر چند که صاحب‌نظران تعلیم و تربیت نظارت را در تمامی دوره‌های تحصیلی توصیه می‌کنند نظارتی که برای تمامی سنین در هدف مشترک است و تنها در شیوه‌های اجرا و روش‌های کنترلی ممکن است قدری با هم متفاوت باشند.

ریشه بسیاری از افت تحصیلی‌ها در خانواده

متأسفانه باید اقرار کرد که ریشه و اساس بسیاری از افت تحصیلی‌ها و بی‌انگیزگی‌های دانش‌آموزان به تحصیل در درون خانواده‌ها است. چه بسایرند دانش‌آموزانی که از انگیزه‌های لازم و کافی برای درس خواندن و یادگیری برخوردار نیستند و در راس همه دلایلی که آنان را نسبت به تحصیل، درس و کتاب بی‌انگیزه کرده است، نگرش‌ها و باورهای غلطی است که بعضاً در محیط



خانواده فراگرفته اند. برخی رفتارهای غلط و نا آگاهی های والدین، انگیزه این مهمترین و اصلی ترین عامل در پیشرفت تحصیلی را در درون فرزندان از میان برده است.

هنگامی که خانواده ها از نقش نظارتی خود در فعالیت های آموزشی و تربیتی فرزندان غافل می شوند ، وقتی در درون خانه نگرش هاو باور های غلطی درباره تحصیل و علم اموزی در ذهن فرزندان شکل می گیرد ، وقتی حمایت خانواده ها از فرزندان در دوره های مختلف تحصیل کم رنگ و یا از بین رفته است ، وقتی محیط های خانوادگی بعضا به محیط های سرد و بی روح مبدل گشته اند و گاه والدین از وضعیت تحصیلی فرزندان خود بی خبرند و ارتباط والدین و فرزندان به دلایل متعددی همچون اشتغال تمام وقت والدین در بیرون از خانه به حد اقل ممکن رسیده است دیگر چه انتظاری می توان داشت که چرخ موفقیت تحصیلی فرزندان بدرستی و در جهت مثبت پیش رود .

ارتباط با مدرسه راهکاری مناسب

ار آنجا که نهادهای خانه و مدرسه هر دو وظیفه تعلیم و تربیت فرزندان را بر دوش دارند لذا ارتباط بین این دو نهاد تربیتی لازم و ضروری به نظر می رسد . چرا که نه مدرسه می تواند بدون همکاری خانواده ها رسالت تعلیم و تربیت خویش را به شکل صحیح اجرا نماید و نه خانواده ها می توانند بدون ارتباط مستمر با مدرسه در جهت تربیت صحیح و رفع مشکلات تحصیلی فرزندان خود اقدامی مناسب انجام دهند.

اصولا به دو دلیل مهم ارتباط بین مدرسه و خانه توصیه می شود. اول اینکه ارتباط بین این دو نهاد باعث ایجاد یک نوع هماهنگی در هدف ها، روش ها و انتظارات تربیتی و آموزشی بین خانه و مدرسه می شود. حسن این هماهنگی این خواهد بود که از بروز تضاد ها و دوگانگی ها و تعارض ها در امور تحصیلی و خصوصا تربیتی فرزندان که موجب بروز سردرگمی ، دلزدگی و افسردگی در فرزندان می شود و نتیجه ای جز سردرگمی فرزندان ندارد. جلوگیری می شود.

ارتباط با مدرسه به این دلیل نیز که موجب می گردد تا والدین از وضعیت تحصیلی و نیاز ها ی فرزندان شان بهتر و بیشتر آگاه شوند و اطلاعاتی را بدست آورند که برای ارائه نقش تربیتی بهتر خانواده لازم و ضروری است . برخی والدین به دلیل عدم آشنائی کافی با نیاز های واقعی ویژگی های سنی فرزندان شان در سنین مختلف و عدم اطلاع از وضعیت تحصیلی آنان نمی توانند نقش های نظارتی و حمایتی خود را به طرز صحیحی اجرا نمایند و نه تنها موجب بروز افت تحصیلی در فرزندان خود می شوند بلکه روز به روز از فرزندان خود نیز به دلیل عدم شناخت کافی از آنان فاصله می گیرند. ارتباط مستمر با مدرسه و شرکت منظم در جلسات انجمن اولیاء و مربیان و شرکت در کلاس های آموزشی مناسب برای آشنائی با ویژگی ها و نیاز های فرزندان در دوره های سنی مختلف راهکار مناسبی است برای تقویت بعد نظارتی و حمایتی خانواده ها در برابر فرزندان که امیدواریم مورد توجه خانواده ها قرار گیرد .



تأثیر پیوند خانه و مدرسه در موفقیت تحصیلی و تربیت دانش آموزان

هر سال ۲۴ تا ۳۰ مهرماه به عنوان هفته پیوند اولیا و مربیان نامگذاری شده است و به همین مناسبت برنامه های ویژه فرهنگی، آموزشی و هنری با مشارکت اولیا و مربیان در مدارس سراسر کشور اجرا می شود. آموزش و پرورش یکی از ارکان مهم توسعه است و برای رسیدن به این توسعه نیاز است تا اولیا، خانه و مدرسه را بشناسند و از ارتباط آن دو بتوان به نسل توسعه یافته دست یافت. امید است با گشوده تر شدن درهای مدارس به روی والدین کاردان، اهل نظر، متخصص و ماهر آموزش را از انحصار و محدوده تنگ چهار دیواری مدرسه و صرفاً معلمان رهایی بخشند چراکه حیات اجتماعی هزاره سوم بیش از هر زمان دیگر طالب و تشنه بهره گیری از توانمندی ها و مهارت های والدین در عرصه آموزش و پرورش است. به طور کلی اکثر پدران و مادران در فراهم ساختن امکانات و تسهیلات لازم برای تحصیلات موفقیت آمیز فرزندان خود از هیچ کوششی فروگذار نمی کنند و خواهان موفقیت آنان هستند. خانواده ها غالباً در قبال فراهم آوردن رفاه و امکانات مالی و مادی و تأمین نیازهای اولیه فرزندان، خود را مسئول احساس می کنند و سعی می کنند نیازهای آنان را فراهم نمایند. ولی گاهی از مهمترین نیازهای دوره رشد فرزندان خویش بی توجه می مانند و احتمالاً به محض مشاهده رفتار نابهنجار در فرزندان خود، مدرسه و معلم و دیگر عوامل تربیتی مدارس را مقصر می پندارند و گاه نیز مدرسه و معلم را در مقابل خود حس می کنند. در جامعه امروز مدرسه عملکرد تربیت کودکان را در چارچوب هدف ها و برنامه های مشخص تربیت عمومی عهده دار می باشد. آموزش و پرورش عمومی به نیازهای هر گروه در قالب هدف های کلی تربیتی و رشد، کم و بیش پاسخ می دهد اما طبیعت هر فرد ویژگی هایی است که در قالب برنامه های عمومی نمی گنجد و به چاره جویی و اعمال روش های خاص نیاز دارد. هدف ها و سیاست های آموزش عمومی به شرایط طبیعی و متوسط هر گروه سنی متوجه است و مدرسه را معمولاً مجال آن نیست که ضرورت ها و نیازهای تربیتی فرد را نیز تشخیص بدهد و به صورت مطلوب دنبال کند. مجموعه این نگرش های اولیای دانش آموزان و مسئولان مدارس، شرایطی را فراهم می سازند که دانش آموزان تحت تأثیر برخی عوامل مخرب در فاصله بین خانه و مدرسه قرارگیرند. در برخی مواقع این عوامل گاه چنان تأثیر عمیق در رفتار و شخصیت دانش آموزان به جا می گذارد که کلیه زحمات اولیا و مربیان و معلمان بی ثمر می ماند. در چنین شرایطی لازم است که بین اولیا و مربیان همخوانی وجود داشته باشد و در جهت هم خوانی لازم است جلساتی بین اولیا و مربیان تشکیل شود. انجمن خانه و مدرسه یا اولیا و مربیان نیم قرن پیش در سال ۱۳۲۶ خورشیدی تشکیل شده و در حقیقت بنیاد این مشارکت به دوره قاجاریه تحت عنوان «انجمن معارف» برمی گردد. یکی از دلایل بقا و استمرار این انجمن ضرورت حل مشکل دانش آموزان و علاقه مشترک خانواده و اولیا و مدرسه به این امر است. پژوهش های انجام شده نشان می دهد که انجمن اولیا و مربیان می تواند در پیش برد هر چه بهتر امور آموزش و پرورش دانش آموزان نقش مفید و مؤثرتری داشته باشد. خصوصاً در پیشرفت تحصیلی دانش آموزان و همکاری اولیا و مربیان تأثیر مثبت دارد. در این خصوص لازم است که مردم با اهداف این انجمن آشنایی داشته باشند.



چند سوال مهم و اساسی

*به نظر شما پیوند خانواده و آموزش و پرورش چقدر می تواند در تربیت صحیح دانش آموزان نقش داشته باشد؟

در حقیقت می توان گفت که آموزش و پرورش و خانواده دو شریک جدی در امر تربیت دانش آموزان محسوب می شوند و در واقع بدون همراهی خانواده با آموزش و پرورش و یا بالعکس نمی توان انتظار داشت که این تربیت صحیح اتفاق بیفتد.

خانواده و مدرسه دو نهاد تاثیرگذار هستند و هر مقدار که این هم افزایی و هم سویی در تربیت فرزندان جامعه وجود داشته باشد، می توان به بهبود وضعیت تربیتی فرزندان جامعه امیدوار بود.

عدم نقش آفرینی والدین در روند تربیت فرزند و ارتباط برقرار نکردن مستمر با اولیاء مدرسه، از صدمات بزرگ آموزشی به شمار رفته و در روند آموزش، اختلال به وجود می آورد.

*آیا ارتباط اولیاء و مربیان طی سالیان اخیر آنقدر مستحکم و قابل اعتناء بوده و نقشی در تربیت صحیح دانش آموزان داشته است؟

در واقع ارتباط بین اولیاء و مربیان تاکنون در حد قابل قبولی نبوده و خانواده و مدرسه یک ارتباط رسمی و اجرایی داشته اند و هیچ گاه به لحاظ مسائل تربیتی بین خانواده و مدرسه پیوندی برقرار نبوده است. دلیل این امر هم این بوده است که سازوکارهای لازم در این خصوص تعریف و طراحی نشده است.

در مسئله امور تربیتی به هر میزان که طرح و سرمایه گذاری انجام شود، اثربخشی بهتری به دنبال دارد. خانواده ها باید پشتیبان امور تربیتی مدرسه باشند اما در اکثر اوقات این اتفاق نمی افتد و از سوی دیگر مدارس هم می خواهند تا دانش آموز منفعل و اطاعت پذیر باشد و در عین حال تمایلی ندارند تا از خانواده ها به عنوان شریک خود در امور تربیتی بهره لازم را ببرند. این امر ضعف و چالشی بزرگ در نظام تربیتی آموزش و پرورش محسوب می شود.

اگر واقعا این دو بخش، یعنی خانواده و مدرسه، با هم همدل و هم فکر باشند و سرمایه گذاری لازم را انجام دهند می توان بیش از اینها به تربیت صحیح دانش آموزان امیدوار بود.

*نقش نظام آموزشی و خانواده در کاهش ناهنجاری ها چیست؟

بدون شک نقش نظام آموزشی و خانواده به صورت توأمان در کاهش ناهنجاری هایی نظیر ترک تحصیل، روی آوردن به مواد مخدر، سیگار و قرص های روان گردان بسیار موثر است و از سوی دیگر باید به این نکته هم توجه کرد که در سالیان گذشته، مدرسه محلی برای انتقال دانش درسی به دانش آموزان بود، اما امروز وضع با گذشته خیلی فرق کرده و با توجه به هجوم



های مختلف فرهنگی و ورود گسترده اطلاعات و فناوری در زندگی روزمره باید مثلث معلم، مدرسه و کتاب در کنار هم حفظ شود و مهارت های زندگی و اصل ورود به اجتماع را به دانش آموزان بیاموزند. به عبارت دیگر این مسئله دارای اهمیت است که مدرسه علاوه بر دغدغه برای یادگیری دانش آموز، ضامن رشد اجتماعی، سلامت و ارتقاء مهارت های رفتاری، فکری و عملی اوست.

در همین حال خانواده و اولیاء فرزندان نیز نقش حلقه مکمل را برای انتقال مباحث آموزشی به فرزندان بر عهده دارند. از آنجایی که اولین مکتب تربیتی برای فرزندان، خانواده محسوب می شود باید در این محیط مسئله پرورش در کنار امور فرهنگی و آموزشی مورد توجه قرار گیرد.

*چقدر رویکرد و اهداف مدیران مدارس در امر تربیت دانش آموزان مؤثر است؟

این امر هم تأثیر بسزایی در روند تربیت صحیح دانش آموزان دارد، اما متأسفانه گاهی مدیران مدارس رویکرد انتظامی و اجرایی دارند و رویکرد تربیتی جزء اهداف اصلی شان نیست؛ اما هر مقدار که رویکرد مدیران به این مسئله حیاتی معطوف باشد، وضعیت تربیتی فرزندان جامعه بهتر و مطلوب تر خواهد بود.

از طرف دیگر نباید فراموش کنیم که نگاه به مقوله تربیت باید نگاهی یکپارچه باشد و نه تنها آموزش و پرورش و خانواده بلکه همه نهادهای تربیتی بایستی خود را نسبت به این مسئله مسئول بدانند. به عنوان مثال صدا و سیما و مساجد می توانند در تقویت ارتباط بین خانواده و مدرسه و نحوه تربیت صحیح دانش آموزان مؤثر بوده و نقش به هنگام خود را ایفا کنند.

به منظور ارتقاء وضعیت تربیتی و فرهنگی جامعه باید همه نهادهای مسئول را پای کار آورد البته در این بخش باید با تدبیر و همراه با برنامه ریزی عمل کرد.

پیشنهادات

۱. شناخت دانش آموزان محروم از محبت والدین به طور محرمانه صورت گیرد تا دانش آموزان دیگر مطلع نشوند.
۲. مربیان در برخورد با اولیا اخلاق اسلامی را رعایت و اولیا را تنها هنگامی که از فرزند آنها خطایی سر زده است به آموزشگاه دعوت نکنند تا موجب سرافکندگی و خجالت آنان گردد. بلکه باید به گونه ای رفتار کنند که اولیا هر ماه حداقل یک بار برای جویا شدن از وضعیت تحصیلی فرزندان خود به مدرسه مراجعه کنند و به تبادل نظر در این زمینه با مربیان بپردازند.
۳. به امر آموزش خانواده و تشکیل کلاس های آموزش خانواده توجه و عنایت بیشتری صورت گیرد.
۴. به برگزاری هفته مشاغل در مدارس اهمیت بیشتری داده شود.
۵. پر کردن اوقات فراغت به وسیله والدین و با نظارت و هماهنگی مدرسه انجام پذیرد.



۶. اعطای کمک های مالی از سوی انجمن به دانش آموزان مستمند بیشتر گردد. البته بهتر است که این گونه کمک ها به صورت محرمانه و حتی بدون اطلاع خود دانش آموز باشد.
۷. برخورد مناسب و محترمانه ای با دانش آموزان دارای مشکل جسمی مانند آنهایی که ضعف بینایی و شنوایی و کلامی دارند بشود تا مورد تسمخر دیگر دانش آموزان قرار نگیرند.
۸. مدرسه در حل مشکلات خود از والدین کمک و یاری طلبد و روی آنها حساب باز کند.
۹. نشریه پیوند را برای اولیای دانش آموزان ارسال کنیم.

نتیجه گیری

با توجه به مطالبی که بیان شد نتایج به دست آمده به شرح ذیل اعلام می گردد:

۱. تماس اولیا و شناسایی دانش آموزان محروم از محبت والدین (فوت یا متارکه والدین) به میزان زیادی بر پیشرفت تحصیلی اینگونه دانش آموزان اثر دارد.
۲. رابطه نزدیک و تنگاتنگ والدین و مربیان می تواند به مقدار قابل توجهی بر آگاه سازی والدین در پیشگیری از اختلالات عاطفی دانش آموزان کمک کند و در بهبود فرآیند آموزش و پیشرفت تحصیلی موثر باشد.
۳. تماس اولیا با معلمین به منظور شناخت علل ناسازگاری و برخورد مناسب با دانش آموزان به میزان زیادی بر رشد شخصیتی و پیشرفت تحصیلی دانش آموزان تاثیرگذار است.
۴. دایر نمودن کلاس های تقویتی و جبرانی از سوی انجمن برای دانش آموزان ضعیف از نظر درسی در پیشرفت تحصیلی آنان به میزان قابل توجهی موثر است.
۵. تبادل نظر علمی، حرفه ای، فرهنگی و اجتماعی والدین با دبیران در معرفی مشاغل اجتماعی به دانش آموزان دوره راهنمایی می تواند بر تقویت انگیزه تحصیلی دانش آموزان بینجامد.
۶. توجه به آموزش خانواده ها توسط کارشناسان علوم تربیتی و علوم اجتماعی و روحانیون محترم تا میزان زیادی می تواند به حل مشکلات و مسائل خانواده ها و سرانجام پیشرفت تحصیلی فرزندان آنان بینجامد.
۷. اتخاذ شیوه های رفتاری متناسب با دانش آموزان از قبیل تنبیه، تشویق، انتظار متناسب با توانایی ها از طریق آگاه سازی والدین توسط مربیان مدارس بر بهبود روند آموزش و یادگیری موثر است.



۸. وجود تضاد در شیوه های آموزشی و تربیتی میان اولیا و مربیان تا حد بسیار زیادی بر روند آموزش و یادگیری و در نهایت بر پیشرفت تحصیلی دانش آموزان اثر نامطلوب می گذارد.
۹. کمک مالی و فکری اولیای دانش آموزان در غنی سازی اوقات فراغت بر تداوم امر خطیر آموزش و پیشرفت تحصیلی تاثیر به سزایی دارد.
۱۰. شناسایی دانش آموزان دارای مشکل اقتصادی و اعطای کمک از سوی انجمن به آنان تا حد زیادی این گونه دانش آموزان را به تلاش و کوشش واداشته و انگیزه آنان برای ادامه تحصیل تقویت شده و در نهایت بر بهبود روند آموزش و پیشرفت تحصیلی آنان تاثیر گذار است.
۱۱. شناسایی دانش آموزان دارای مشکل جسمی نظیر ضعف شنوایی، ضعف بینایی، کلامی و... و جلوگیری از گسترش این عارضه ها سلامت روان و شخصیت دانش آموزان مذکور را به مخاطره نمی اندازد و به نسبت بر پیشگیری از مشکلات و مفاسد می کاهد و بر پیشرفت تحصیلی آنان موثر است.
۱۲. قبول پیشنهادات و طرح های مفید آموزش که از سوی انجمن ارائه می شود توسط مربیان و اولیای مدرسه می تواند سبب افزایش بازدهی مدرسه و پیشرفت روند امر آموزش در مدرسه گردد.

فهرست منابع و مآخذ

- ۱- آیین نامه انجمن اولیا و مربیان واحدهای آموزشی، وزارت آموزش و پرورش
- ۲- پیوند: نشریه ماهانه آموزشی - تربیتی، انتشارات انجمن اولیا و مربیان، شماره ۲۷۱
- ۳- نگاه: نشریه خبری آموزشی - تربیتی، وزارت آموزش و پرورش، سال پنجم، شماره ۶۱
- ۴- جهانگرد، یدالله، آشنایی با انجمن اولیا و مربیان، انتشارات دفتر انجمن اولیا و مربیان